

بررسی روند قضائی دادگاه ها و دادرهای اطفال و نوجوانان در جرائم مواد مخدر

شهلا معظمی^۱، مرتضی آذریان قهفرخی^۲، شیوا کشاورزی^۳

^۱ دکتری جزا و جرم شناسی، استادیار مؤسسه تحقیقات علوم جرایمی و جرم شناسی، عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

^۲ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

^۳ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

مرتضی آذریان قهفرخی

چکیده

تحقیقات جرم شناسان نشان می دهد که از جمله مهمترین علل ارتکاب بزه از طرف اطفال و نوجوانان علل روانی و اخلاقی و عاطفی می باشد. بررسی رویه قضایی دادگاه و همچنین نحوه دادرسی به جرایم اطفال و واکنش جزایی نسبت به آنها از حیث پیشگیری از جرایم اطفال به ویژه جرایم مربوط به مواد مخدر با اهمیت است. هدف از این تحقیق بررسی روش های تقلیل بزهکاری اطفال و نوجوانان همچنین بررسی روش هایی جهت کاهش زمان رسیدگی در دادرها و دادگاه های اطفال و نوجوانان به جرایمی چون مواد مخدر می باشد. در سال های پس از انقلاب با توجه به سیاست های جدی مقابله با جرایم مواد مخدر رویه قضایی دادگاه ها حتی دادگاه های اطفال نوجوانان به طور نسبی سرکوبگرانه بوده است. مروری اجمالی بر رویه قضایی دادگاه اطفال حاکی از آن است که قضات این دادگاه تمایلی به اتخاذ رویکردهای ملایم در اتخاذ تصمیمات قضایی نسبت به جرایم مواد مخدر ندارند.

واژگان کلیدی: بزه- اطفال و نوجوانان- رویه قضایی- دادگاه-جرایم مواد مخدر .

مقدمه

در بررسی عقاید جرم شناسان، آثار سوء فراوانی در روند جرائم اطفال چه به صورت انفرادی و چه به همراه مجرمین بزرگسال و سابقه دار مشاهده می گردد. نظرات و یافته های آنها در مورد شناخت علل بزهکاری و توجه به شخصیت اطفال بزهکار و لزوم اصلاح و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، هم در اسناد بین المللی و هم در حقوق بسیاری از کشورها در قالب ایجاد محاکم اختصاصی برای اطفال بزهکار و استفاده از قضات مجرب و متخصص و مددکاران اجتماعی به منظور تعدیل روحیه ضد اجتماعی و بازگشت مجدد آنها به جامعه، ظهور و بروز نموده است. در حقوق کیفری ایران نیز اولین بار در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار که صلاحیت رسیدگی به جرائم اطفال بین ۶ تا ۱۸ سال را داشت تأسیس گردید. این قانون با توجه به این که ویژگی های خاصی را برای قاضی این دادگاه قائل شده بود. به جهت اینکه در این دادگاه آیین دادرسی و مقررات خاصی حاکم بود نمونه مطلوبی از یک دادگاه اختصاصی اطفال به شمار می رفت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانونگذار رسیدگی به جرائم اطفال را تابع قواعد عمومی و به همراه مجرمین بزرگسال قرار داد و تمایلی به ایجاد محاکم اختصاصی از خود نشان نداد.

این درحالی است که ازجمله مهمترین جرائمی که توسط کودکان و نوجوانان محقق می شود جرائم مربوط به مواد مخدر است. پیشتر در مورد صلاحیت دادگاه اطفال از حیث رسیدگی به جرائم مواد مخدر اختلاف نظر وجود داشت. تا این که هیأت عمومی دیوان عالی کشور طی رأی وحدت رویه شماره ۱۳۷۹.۸.۳-۶۵۱ مقرر داشت که: «تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته که به کلیه جرائم اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام بر طبق مقررات عمومی در دادگاه اطفال رسیدگی می شود و نظر به این که فلسفه وضع قانون دادگاه اطفال مبتنی بر تربیت و تهذیب است و نیز خصوصیات جسمی و روانی و اصل عدم مسئولیت اطفال بزهکار ایجاد کرده که قانونگذار با رعایت قاعده حمایت از مجرم دادگاه خاصی را در مورد رسیدگی به جرائم آنها تشکیل دهد و با توجه به این که به موجب ماده ۳۰۸ قانون مزبور، دادگاه های عمومی و انقلاب فقط بر اساس این قانون عمل می کند و کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسبت به دادگاه های عمومی و انقلاب الغاء شده است، همچنین طبق ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲ «به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام ششمی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود». طبق تبصره ۲ ماده مذکور «هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد. در هر صورت محکومین بالای سن هیجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می شود، نگهداری می شوند». هدف از بررسی حاضر تحلیل رویه قضایی دادگاه های اختصاصی اطفال و نوجوانان درخصوص واکنش جزایی و اجرای مجازات است که در این راستا برآنیم با مروری بر آرای صادره در این خصوص پیش از تصویب قوانین جزایی جدید و پس از آن رویکرد کلی حاکم بر رویه قضایی دادرسی اطفال را از حیث سرکوبگرانه یا پیشگیرانه بودن احکام بررسی کرده و تحولات آن را پس از تصویب قوانین جزایی جدید تبیین نماییم.

۱- تعاریف

۱-۱- تعریف جرائم مواد مخدر و عناصر آن

در تعریف حقوقی، مواد مخدر، به موادی اطلاق میشود که مخدر، محرک، توهمزا و سستی آور بوده و آثار جسمی و روحی را برای فرد دنبال دارد و پس از یک یا چند بار مصرف موجب اعتیاد وی می گردد.^۱ جرائم مواد مخدر نیز اشاره به دو دسته اعمال مجرمانه دارد اولی جرم اعتیاد و مصرف مواد مخدر و دیگری قاچاق، حمل و نقل، خرید و فروش. نخستین دسته از جرائم مواد مخدر یعنی مصرف و اعتیاد مقوله ای است که همواره از مهمترین دغدغه ها بوده و هر سال نیز بر آمار جرائم آن و شدت بحران ناشی از آن افزوده شده است.

در یک تقسیم بندی کلی جرائم مطروحه در قانون مبارزه با مواد مخدر به ۳ دسته تقسیم می گردد:^۲

الف - جرائم خاص تهیه، حمل، نگهداری، توزیع و ترانزیت مواد مخدر.

ب - جرائم مرتبط با مصرف مواد مخدر

ج - جرائم تبعی و مرتبط با جرائم مطروحه در بند الف و ب.

^۱ - شفیع، علی؛ پدیده شناسی مواد مخدر، « دانش انتظامی شماره ۸، بهار ۱۳۸۰، ص ۶۵۱

^۲ - زراعت عباس، حقوق کیفری مواد مخدر، انتشارات جنگل جاودانه، تهران، ۱۳۹۲، ص ۳۵

۲-۱- تعریف طفل

از نظر لغوی، طفل به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان به کم سالی و خردسالی تعبیر شده است، بنابراین صغیر نقطه مقابل کبیر و به معنای کودک است.^۱ در اصطلاح فقه و حقوق، شخصی که به سن بلوغ نرسیده باشد به عنوان طفل شناخته می شود، بلوغ اصطلاحاً به ادراک و رسیدن به مرحله ی معینی از رشد جسمی و روانی اطلاق می گردد^۲ هر چند از نظر لغوی و اصطلاحی به شخصی که به مرحله ی بلوغ نرسیده باشد طفل گفته می شود، لکن تعیین این مرحله و میزان و حدی از رشد که ملازم با بلوغ است مورد اختلاف بوده و ضابطه ی تشخیص آن امری متفق علیه نیست. بلوغ شرعی به زعم بسیاری از فقها یعنی احراز شرایط جسمی برای افراد که پس از رسیدن به آن بتوانند توالد و تناسل نمایند و از جهت فقهی دارای سه نشان و آثار است:

۱- رسیدن به سن نه سال برای دختران و پانزده سال برای پسران.

۲- روییدن موهای خشن بر پشت آلت تناسلی

۳- خروج منی-احتلام- در پسران و حیض در دختران

با مشاهده هریک از سه امر فوق می توان گفت که طفل به سن بلوغ رسیده است.

با وجود این میان یک طفل خردسال غیر ممیز و یک فرد بالغ (و عاقل) مراتب و درجاتی وجود دارد. دوره کودکی و عدم تمیز مطلق- کودکان کمتر از ۶ سال از نظر عقلی در مرحله ای نیستند که بتوان وجود عمد و سوءنیتی را در رفتار آنان تشخیص داد. فصل دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با عنوان «موانع مسئولیت کیفری» در مواد ۱۴۶، ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون یاد شده، افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال قمری است. درباره افراد نابالغ، بر پایه ضوابط قانون جدید، اقدامات تأمینی و تربیتی قابلیت اجرایی دارد.^۳

۲- مسئولیت کیفری اطفال در حقوق ایران

سن مسئولیت کیفری در معنای خاص یا نسبی^۴ به معنای سنی است که طفل به درجه ای از رشد و بلوغ برسد که بتوان وی را مجرم تلقی کرده و طبیعتاً تابع حقوق کیفری ویژه اطفال دانست. در واقع، علت نسبی بودن به دلیل این است که از فردی به فرد دیگر متغیر بوده و نسبت به رشد و بلوغ طفل موردنظر سنجیده می شود. سن بلوغ کیفری^۵ یا سن مسئولیت کیفری مطلق، سنی است که بزهکار مطلقاً بزرگسال تلقی شده و تماماً مشمول کیفر قرار می گیرد.

برای تعیین سن مسئولیت کیفری به تدریج نوعی مبانی مشترک و اصول مشابه براساس مطالعات و ملاحظات علمی و اجتماعی در جهان مورد توجه قرار گرفته است. در این اقدام، قطعاً توانمندی جسمی و فکری اطفال که بسترساز پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی محسوب می شود، مد نظر قرار گرفته است.

مطابق با قانون مجازات اسلامی جدید، مسئولیت کیفری زمانی محقق می شود که فرد حین ارتکاب جرم عاقل و بالغ باشد و افراد نابالغ صراحتاً فاقد مسئولیت کیفری شناخته شده اند.^۶ اطلاق این مقرر شامل نفی کامل مسئولیت کیفری افراد نابالغ در تمام ابواب حدود و قصاص و تعزیرات است و این اطلاق ازجمله نوآوری های قانون جدید است که ابهام قانون سابق را رفع نموده است.

۳- بزهکاری اطفال خصوصیات و علل آن

بزهکار صفت مرکب و فاعلی واژه بزه است. در لغت نامه دهخدا در تعریف این واژه آمده است: «بزه [ب ز] گناه و خطا باشد. بزهکار [ب ز] (صفت مرکب) مأثوم، عاصی، تبهکار، بزه مند، گنهکار و مجرم: گناه کننده را گویند.^۷ بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی عبارت است از ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد. معذک این اصطلاح غالباً معادل جرم و به ویژه در

^۱ - معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۱۴۸

^۲ - جابری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۲، ص ۶۱

^۳ - گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۴۳۴

^۴ Responsibility Penal

^۵ Majority Penal

^۶ ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی: «مسئولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل بالغ و مختار باشد».

^۷ - دهخدا، علی اکبر... لغت نامه دهخدا، بی تا، تهران ۱۳۴۱، ص ۱۰۳۴

ارتباط با جرائم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار می رود^۱، "بزهکاری" مفهومی است که غالباً به اقتضای سن و ماهیت رفتار در مورد کودکان و نوجوانان به کار می رود. کودکان و نوجوانان به دلیل تخلفاتی دستگیر می شوند که میزان خطرناکی آن ممکن است از ولگردی تا قتل در نوسان باشد^۲.

بزهکاری به معنای تعدادی متغیر از اعمال ارتكابی علیه احکام قانونی که می تواند ماهیت های مختلفی داشته باشد، وجه مشترک تمام جوامع انسانی است. صرف نظر از موضوع اختلاف ماهیت، این اعمال تقریباً همیشه توسط قانون تعریف و پیش بینی می شود. در تعریف رفتار بزهکارانه به طور کلی قرن هاست اعمالی مانند قتل، دزدی، نزاع، تخریب، کلاهبرداری، تجاوز، غارت، وحشی گری و آتش افروزی به عنوان رفتار بزهکارانه پذیرفته شده است و تقریباً همه جوامع برای آن تعریف مشخصی دارند^۳.

لفظ کودک بزهکار در اسناد بین المللی تعریف نشده و به جای آن واژه مجرم نوجوان به کار رفته که به کودک و فرد جوانی اطلاق می گردد که جرم او محرز گردیده یا متهم به آن است. بزهکار در برخی موارد به فردی اطلاق می شود، که تنها مرتکب جرم نشده بلکه به طور کلی فردی سرکش و ضد اجتماعی است^۴.

عبارت بزهکاری کودکان اولین بار در سال ۱۸۱۵ در کشور انگلیس تحت تأثیر افزایش جرائم نوجوانان به وجود آمد. هم اکنون این عبارت در تمام جوامع مورد استفاده قرار می گیرد و منظور از آن جرائم ارتكابی کودکان و نوجوانان است، که در شرایط خاص سنی قرار دارند^۵.

با این وجود مفهوم بزهکاری اطفال علی رغم شباهات در بسیاری از ابعاد، در نظام های مختلف کیفری به واسطه تأثیر عوامل اجتماعی، جنسی و... مقوله ای نسبی است که باید با توجه به همان نظام حقوقی تعریف شود^۶. بزهکاری کودکان دارای سه ویژگی مهم، اتفاقی، تصادفی و سادگی گروهی است:

۳-۱- اتفاقی بودن بزهکاری کودکان

به عقیده دکتر نجفی توانا: «معمولاً کودکان به صورت اتفاقی مرتکب بزه می شوند»^۷. به عبارتی ارتکاب جرم به علت عدم آگاهی و عدم توجه به نتایج حاصله از اعمال، به تبعیت از احساسات و عواطف و بدون سبق تصمیم و پیش بینی قبلی صورت می گیرد. این جرائم تحت تأثیر فشارهای اجتماعی، اقتصادی و شرایط نامساعد روحی و احساسی اتفاق می افتند.

۳-۲- ساده بودن بزهکاری کودکان

بزهکاری کودکان در مقام مقایسه با بزرگسالان از سادگی کمتری برخوردار است. این ویژگی را به خوبی در جرائم ارتكابی کودکان می توان مشاهده کرد. این قاعده برحسب سن کودکان و نوع محیط زندگی متفاوت بوده و شدت و ضعف آن فرق می کند. هرچه سن کودکان کمتر باشد، سادگی و بسیط بودن بزه مشخص تر است و هر چه کودک بزرگ تر شود، به دلیل افزایش تجربه، فراگیری و قدرت تعقل و توجه خاص به محیط پیرامون، جرائم رو به پیچیدگی رفته و متحول می شوند. بدیهی است این امر با توجه به حالات و سوابق کودکان نسبی بوده و در هر مورد متفاوت است^۸.

۳-۳- گروهی بودن بزهکاری کودکان

کودکان معمولاً تمایل دارند در تمام امور به صورت دسته جمعی اقدام نمایند. این موضوع صرفاً مربوط به بازی یا تفریح کودکان نیست، بلکه کودک حضور در جمع و برخورداری از حمایت دیگران را برای خود امری ضروری می داند^۹.

^۱ - معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، ص ۶۷

^۲ - معظمی، شهلا، دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، ص ۷

^۳ - ممتاز، فریده: «جامعه شناسی انحرافات»، انتشارات سهامی انتشار ۱۳۸۰، ص ۸۹

^۴ - نیاز خانی، مرتضی؛ ملک زاده، امیر. پلیس کودکان، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۳۴

^۵ - همان، ص ۴۱

^۶ - نجفی توانا، علی، نابهنجاری و بزهکاری اطفال ونوجوانان از دیدگاه جرمشناسی، مقررات داخلی و اسناد بین المللی/سازمان زندانها و اقدامات تأمینی

تربیتی کشور، انتشارات راه تربیت، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۴

^۷ - نجفی توانا، همان، ص ۱۱

^۸ - نجفی توانا، همان، ص ۲۷

^۹ - سلطانی بهلولی، مریم، تأثیر نظریه عدالت ترمیمی در دادرسی اطفال، پایان نامه ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۵۹

۴- مهمترین علل بزهکاری اطفال

از جمله دلایل قاچاقچیان برای استفاده از کودکان و نوجوانان سرعت عمل و خطر پذیری و عدم امکان تعقیب کیفری و مجازات کودکان و نوجوانان است. کودکان و نوجوانان که مواد مخدر توزیع می کنند درآمد بدست آمده را به تأمین کنندگان مواد بر می گردانند و حق دلالتی مختصری دریافت می کنند^۱ عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری مؤثر است و تنها نمی توان علت خاص و واحدی را برای برای آن در نظر گرفت. عوامل مختلفی نظیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیولوژیکی و... در کنار هم باعث می شوند که بزهکاری در نوجوانان و اطفال به عرصه ظهور برسد.

۵- دادرسی و محاکم ویژه اطفال

در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان مراجع ذی صلاح انتظامی و قضایی متصدی کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و محاکمه همواره باید مصالح و منافع عالیّه اطفال و نوجوانان را نصب العین خود قرار دهند و از هر گونه برخوردی که با شأن، منزلت و اعتماد به نفس ایشان مغایرت داشته باشد یا احیاناً کمکی در تشدید شرایط نامطلوب آنان نماید، احتراز نمایند. از این رو مقامات مزبور علاوه بر این که باید اصول دادرسی عادلانه و منصفانه را در برخورد با اتهامات اطفال و نوجوانان رعایت کنند، به آن دسته از حداقل قواعد اسناد بین المللی ناظر به دادرسی مخصوص اطفال و نوجوانان و قوانین موضوعه نشأت گرفته از اصول مزبور عنایت جدی داشته باشند؛ زیرا ارتقاء دادرسی نوجوانان و اطفال متضمن بخشی از روند توسعه ملی کشورها محسوب می شود. همچنین محاکم مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال ازجمله دادگاه ها و دادرها باید شرایط خاصی داشته باشند از جمله این که قضات دادگاه ها همچنین دادستان دادرها باید واجد شرایط خاصی باشند که در ادامه ضمن بررسی نظام قضایی حاکم بر رسیدگی به بزهکاری اطفال به مروری ساختار محاکم رسیدگی کننده به جرائم اطفال خواهیم پرداخت.

۵-۱- دادرسی افتراقی به جرائم اطفال و ویژگی های آن

علیرغم این که اطفال، در اکثر نظام های حقوقی، مبرا از مسؤولیت کیفری مع الوصف به دلیل رعایت نظم و قانون از یک سو و کنترل بحران های ناشی شده از بزهکاری نوجوانان و اطفال از سوی دیگر، پیش بینی و استقرار تشکیلات دادرسی جرائم ارتكابی اطفال اجتناب ناپذیر است.

افتراقی کردن سیاست جنایی ناظر به بزهکاری اطفال که یافته های جرم شناسی، به طور کلی و جرمشناسی بالینی، به طور ویژه در شکل گیری آن نقش عمده ای ایفاء کرده است و چگونگی رویارویی با بزهکاران نوجوان، دست کم از دو جهت واجد اهمیت به نظر می رسد: نخست از نظر متنوع کردن پاسخ های دولتی و جامعه ای به بزهکاری اطفال و نوجوانان و فردی کردن این پاسخ ها برحسب خصوصیات شخصیتی و اجتماعی هر طفل و نوجوان، نوع و کیفیت جرم ارتكابی او، نحوه ارتكاب آن، آلت جرم، رابطه او با بزه دیده و... و دوم به لحاظ پیشگیری از مزمن شدن بزهکاری در دوران کودکی و سنین پایین، که منجر به پیشگیری از تکرار جرم در دوران بزرگسالی می شود.

بدین ترتیب نظام عدالت کیفری ویژه اطفال بزهکار، از یک سو از اطفال در معرض خطر از رهگذر اقدام های بیشتر مدنی و پرورشی به منظور پیشگیری از مجرم و بزه دیده شدن آنان در آینده حمایت می کند و از سوی دیگر با اقدام های مصلحانه در مقام پیشگیری از تکرار جرم آنان است و بالاخره با توجه به سابقه خانوادگی، محیطی، تحصیلی و اجتماعی آنان، با تداوم بخشیدن به این اقدام ها در طول زمان و تعمیم آنها نسبت به مادران و پدران، مربیان، همسالان و... کودک، در واقع به دنبال پیشگیری از مقاوم شدن بزهکاری در شخصیت آنان است. با این رویکرد نظام کیفری اطفال دست کم از دو جهت شکلی (آیین دادرسی و سازمان و تشکیلات قضایی) و ماهوی (اصول کلی و ضمانت اجرای کیفری) نسبت به نظام کیفری عمومی (ویژه بزرگسالان) متفاوت است.^۲

۵-۲- اصول و ویژگی های دادرسی ویژه اطفال

«از جمله اصول و قواعدی که در رسیدگی به جرائم اطفال مورد توجه واقع شده است و به عنوان بخشی از اختصاصات حقوق کیفری اطفال از آن یاد می شد، این است که در حقوق کیفری اطفال بسیاری از اصول دادرسی کیفری عمومی منقلب و اصولی کاملاً

^۱ - معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، چاپ دهم، تهران، ۱۳۹۳، ص ۲۱۸

^۲ - شامبیاتی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشر ژوبین، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۴

متفاوت حاکمیت پیدا می کند. مهمترین آنها عبارتند از: مشارکتی بودن دادرسی، اصل سری بودن رسیدگی، رعایت اصل سرعت در دادرسی، اصل جواز رسیدگی غیابی و نهایتاً تضمین حقوق دفاعی متهم»

گفتنی است حمایت از منافع کودکان و ویژگی های خاص حمایت از آن مقتضی آن است که اجرای قانون و دادرسی در سطح گسترده با توجه به منافعشان مورد بررسی قرار گیرد.

ازجمله مهمترین ضروریات دادرسی ویژه کودکان در مرحله تحقیقات مقدماتی نمود پیدا می کند بنابر منافع کودکان به نظر می رسد که قاضی یا مقام صالح در تعقیب و تحقیق باید رویکردی منعطف و مطابق با شرایط خاص متهم اتخاذ نماید در این مرحله براساس قانون آئین دادرسی کیفری، پس از اتمام تحقیقات مقدماتی هرگاه قاضی یا مقام صلاحیت دار تصمیم بر تعقیب کیفری و صدور حکم اجرای روش های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی داشته باشد با ارسال احضاریه ای که در آن نام و نام خانوادگی طفل، نام قاضی و یا مقام صلاحیت دار، نوع جرم، اسناد قانونی که در تاریخ و محل تشکیل جلسه محاکمه ذکر شده از طفل دعوت به حضور در دادگاه می نماید.

جلسه محاکمه بایستی در مکانی دور از محل دادرسی بزرگسالان و در محیط ساده و عادی تشکیل شود. قاضی اطفال و یا مقام صلاحیت دار باید با صبر و متانت، مدافعات کودک و نوجوان را استماع نماید. افزون بر این ها اصول دیگری همچون سری و غیابی بودن، مشارکتی بودن، ساده و غیر تشریفاتی بودن و... ازجمله مهمترین مقتضیات دادرسی ویژه اطفال است.

۵-۲-۱- سری بودن رسیدگی

یکی از اصولی که در قرن اخیر به عنوان تضمین رسیدگی عادلانه وارد نظام های حقوقی شده است. اصل علنی بودن محاکمات دادگستری است. اصل علنی بودن جلسات دادگاه به عنوان یک ضمانت اجرا در نظارت بر عملکرد صحیح نظام قضایی پیش بینی شده است.^۱ همین اصل در قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است.^۲ بر همین اساس، در حقوق کیفری اطفال برخلاف این اصل اساسی در آیین دادرسی کیفری، اصل علنی بودن به اصل سری بودن رسیدگی دگرگون می شود.

غیرعلنی بودن محاکمه طفل یک حق قانونی است که طفل در حین محاکمه از آن برخوردار می باشد. کنوانسیون حقوق کودک ضمن تأکید بر سری بودن جلسات محاکمه طفل، مقرر نموده که محرمانه بودن کامل موضوع در تمام طول مراحل دادرسی امری ضروری است. به عبارت دیگر لزوم حفظ رازداری و عدم انتشار اسرار خصوص زندگی و همچنین اسرار شخصیتی و هویتی از طریق رسانه ها از آن جهت حائز اهمیت است که ممکن است تخطی از به حیثیت و شخصیت درحال رشد کودکان صدمات شدید زده و یا ایشان را در مواجهه با مشکلات روحی و عاطفی قرار دهد.^۳

۵-۲-۲- اصل سرعت در رسیدگی

سرعت بخشیدن به دادرسی کیفری از نظر حقوق بشر و آموزه های جرم شناسی بسیار در خور توجه است. رسیدگی کیفری بدون تأخیر از یک سو، سبب می شود تا متهم بی جهت در فرایند کیفری باقی نماند و از سوی دیگر، به متهم و جامعه هشدار می دهد که در صورت ارتکاب جرم به سرعت از سوی نظام عدالت کیفری به آن پاسخ داده شود؛

۵-۲-۳- رسیدگی مشارکتی و غیابی به جرائم اطفال

به جهت رعایت مصالح کودک و پیش بینی انجام دادرسی عادلانه و منصفانه، بدون همراه داشتن عوارض سوء بر طفل، یکی از اصول اختصاصی دادرسی کودکان بزهکار، اصل جواز رسیدگی غیر حضوری (غیابی) به اتهام طفل است. همچنین یکی از محورهای مهم پیمان نامه حقوق کودک، مشارکت است. مشارکت طفل، والدین و اشخاص خبره به قاضی کمک می کند تا با ایجاد دادرسی مشارکتی، تصمیمی هر چه نزدیک به مصلحت طفل اتخاذ کند و به اهداف دادرسی عادلانه دست یابد. قواعد پکن، مسیر دادرسی را در جهت حفظ مصالح نوجوان و در جو همراه با تفاهم و درک که مشارکت و بیان آزادانه اظهارات نوجوان را میسر می سازد، امکان پذیر می داند. این قواعد از مشارکت والدین و اشخاص خبره در دادرسی با عنوان معاضدت یاد کرده و بر اقسام معاضدت و حمایت از نوجوانان تصریح نموده است از این رو، در تحقق اهداف عادلانه دادرسی و مصلحت کودک، مشارکت

^۱ - نجفی توانا، علی، پیشین، ص ۱۳۷

^۲ - اصل یکصد و شصت و پنج قانون اساسی مقرر می دارد: «محاکمات علنی انجام می شود و عدم حضور افراد بلامانع است مگر به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

^۳ - معظمی، شهلا، پیشین، ص ۲۴

اعم از مشارکت طفل، مشارکت والدین و مشارکت اشخاص خبره (مانند متخصصان رشته های مختلف، وکیل و ...) یک مقوله بسیار مهم به شمار می رود.

۵-۲-۴- ساده بودن تشریفات دادرسی

نظر به اثرات سوئی که ممکن است تشریفات طولانی رسیدگی به جرم و تعدد مراجع بر روحیه طفل داشته باشد، اکثر قوانین جزایی دنیا رسیدگی به جرائم اطفال را از شمول مقررات عمومی مستثنی و تابع ضوابط خاص نموده اند. اصولاً به دلیل تأثیرات منفی حضور طفل در مراجع انتظامی و قضایی، در مقررات بین المللی از جمله قطعنامه پکن توصیه شده می گردد:

اولاً: حدالمقدور از روش های غیر قضایی و با پرهیز از دادرسی به اتهامات طفل رسیدگی شود.
ثانیاً: در صورت ضرورت به سرعت و بدون تأخیر رسیدگی انجام گردد.^۱

۶- نحوه دادرسی در دادسرا و دادگاه های ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی ایران

معمولاً در اکثر کشورهای پیشرفته و مترقی جهان دادگاه ها و مراجع ویژه ای برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در نظر می گیرند و مقررات مخصوصی برای دادرسی این افراد تدوین گردیده است در سیستم قضایی ایران قانون رسیدگی به جرائم اطفال در سال ۱۳۰۴ تصویب گردید و چند بار اصلاح شد. آخرین مقررات مربوط به دادرسی کیفری اطفال در سال ۱۳۷۸ به تصویب رسیده است و در حال حاضر مورد استناد و استفاده دادگاه ها قرار می گیرد. بر اساس ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اطفال در صورت ارتکاب جرم از مصونیت کیفری مبرا هستند و تربیت آنها با نظر دادگاه به سرپرست آن طفل و عنداللزوم قانون اصلاح و تربیت محول می شود. منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و بر اساس تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری می باشد همچنین چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و ضرب و جرح گردد عاقله ضامن پرداخت دیه می باشد و عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث، به طوری که همه کسانی که حین الفوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود همچنین در ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری اعلام شده است که به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال و طبق مقررات عمومی رسیدگی می شود. بنابراین دادگاه های اطفال به جرائم دو گروه از متهمان رسیدگی می نماید. یک دسته کسانی که کمتر از سن بلوغ دارند که از مسؤولیت کیفری مبرا هستند و دسته دوم کسانی که بین سن بلوغ تا ۱۸ سال می باشند و طبق مقررات عمومی محاکمه می شوند.^۲

۷- تعقیب و رسیدگی به جرائم اطفال در حقوق ایران

مطابق ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرائم اطفال و نوجوانان زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می شود. هرچند دادسرا پیش بینی شده در ماده ۲۸۵ آئین دادرسی کیفری یک دادسرای خاص را تشکیل نمی دهند اما به منظور جلوگیری از ورود اطفال در دادسراهای مشترک با بزرگسالان مقرر شده است که «شعبه ای از دادسرای عمومی و انقلاب به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند دادیار و بازپرس تشکیل می شود با وجود پیش بینی اختصاص برخی از شعب دادسرا به رسیدگی جرائم اطفال، تدوین کنندگان این لایحه مداخله دادسرا را در جرائم حبس کمتر از سه سال و جرائم منافی عفت در نظر نگرفته اند. به نظر می رسد این محدودیت بدان خاطر در نظر گرفته شده است که در جرائم منافی عفت موجب ورود آسیب به حریم شخصی اطفال و نوجوانان شود.^۳

در خصوص صلاحیت این محاکم باید گفت: مطابق با آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تحقیقات مقدماتی جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به جز جرائم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می گیرد در دادسرا به عمل می آید به عبارتی طبق این قانون تمامی جرائم افراد زیر ۱۵ سال و جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸، جرائم مربوط به زنا و لوط (۳۰۶) و سایر جرائم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه اطفال رسیدگی می شود.

^۱ - نجفی توانا، علی، همان، ۹۸

^۲ - میر محمد صادقی، دکتر حسین، حقوق جزای بین الملل نشر میزان، تهران، ص ۱۵۸

^۳ - مهرا، نسرين، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰، ص ۷۸

در جریان تحقیقات از طفل اگر ضرورتی به نگهداری طفل نباشد دادگاه می تواند برای امکان دسترسی به طفل و جلوگیری از فرارش به یکی از ۲ طرق زیر عمل نماید:

۱- سرپرستش را به حضور به موقع طفل در جلسات دادگاه ملزم نماید.

۲- سرپرست طفل یا شخص ثالثی را برای آزادی طفل وثیقه بپردازند.

اگر طفل فاقد سرپرست باشد یا سرپرست طفل متعهد نشوند یا وثیقه نپردازند دادگاه دستور می دهد تا طفل بزهکار تا زمان صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری شود و اگر در حوزه قضایی دادگاه کانون اصلاح وجود نداشته باشد کودک به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری خواهد شد.

رسیدگی به جرائم اطفال به صورت غیر علنی است و در دادگاه فقط والدین و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت اجازه حضور دارند. در صورتی که دادگاه طفل را مقصر بداند برابر گزارش هایی که از وضع او از کانون دریافت می کند می تواند در تصمیمات خود نسبت به طفل تجدید نظر کرده و مدت نگهداریش را در کانون تا یک چهارم تخفیف دهد. در هر صورت رأی دادگاه اطفال در خصوص اتهام وارده به طفل قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استانی که طفل در حوزه قضایی آن واقع شده، خواهد بود^۱

هرگاه دادگاه اطفال و نوجوانان تحقیقاتی را در مورد وضع جسمانی و روانی طفل یا نوجوان یا والدین او و همچنین وضع خانوادگی و محیط معاشرت او لازم بداند، تحقیقات مذکور را خود یا با جلب نظر متخصصان یا مددکاران اجتماعی یا اشخاص صلاحیت دار انجام خواهد داد. در این صورت دادگاه با توجه به تحقیقات انجام شده یا نظریات رسیده، تصمیم مقتضی اتخاذ می کند. در تبصره این ماده نیز در جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان و نیز جرائمی که مجازات قانونی آنها سه سال حبس یا بیش از آن است، انجام این تحقیقات را الزامی دانسته است.

۸- دادرسی ویژه اطفال

در گذشته این اندیشه حاکم بود که مداخله دادرسی در فرآیند رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار ممکن است موجب ورود آسیب به آنان شود. زیرا وارد ساختن طفل در فرآیند اقدامات دادرسی از یک طرف، موجب طولانی شدن دادرسی و به تأخیر افتادن دسترسی طفل به دادگاه خواهد داشت و از طرف دیگر، ورود طفل در فرآیند اقدامات دادرسی به نادیده گرفتن وضعیت آسیب پذیر روحی و حقوقی وی منجر می شود. به همین خاطر است که قانون مربوط به تشکیل دادگاه های اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ مداخله دادرسی در روند رسیدگی به جرائم اطفال پیش بینی نشده بود. همچنین در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مهرماه ۱۳۷۸، علی رغم آنکه اختیارات دادستان بر طبق قانون تشکیل دادگاه انقلاب به رؤسای دادگستری واگذار شده بود، مداخله رؤسای دادگستری در تعقیب جرائم اطفال پیش بینی نشده و این وظیفه به دادرسی و یا به درخواست او به قاضی تحقیق واگذار شده است.

۹- دادگاه ویژه اطفال

تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در تبصره ماده ۲۹۸ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است که «در هر حوزه قضائی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان برحسب نیاز تشکیل میشود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام میدهد رسیدگی می شود»^۲

اگرچه بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون، تحقیق در خصوص جرائم افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در دادگاه انجام می شود اما برای تعقیب و تحقیق در خصوص جرائم افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال قانون گذار پیش بینی تشکیل شعب خاصی از دادسرا را با عنوان «دادسرای نوجوانان» پیش بینی کرده است. براساس ماده ۲۸۵ قانون جدید، «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می شود.

^۱ - پیشین، ص ۷۹

^۲ - اسدی، لیلا سادات؛ دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران «حقوقی دادگستری»، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۴۵، ص ۱۰۸

نتیجه گیری

اصل لزوم رعایت منافع عالیۀ کودکان به عنوان اقشار آسیب پذیر اجتماعی در حقوق موضوعۀ کشورها به ویژه آن دسته از کشورهایی که مانند کشور ما به معاهده حقوق کودک ملحق شده اند و از این حیث تعهد بین المللی در زمینه اجرای مفاد معاهده دارند، ایجاب می کند که قوانین کیفری اعم از شکلی و ماهوی متضمن اصول راهبردی برای حمایت از کودکان باشد.

هیچ کس منکر توسل به مجازات به عنوان آخرین حربه نیست و نیز هیچ کس منکر این امر نیست که در جامعه همیشه افرادی بوده اند که خطر اجتماعی بیش از حد داشته اند و به اصطلاح شرور بوده اند اگر مقنن زمینه های ارتکاب جرائم مواد مخدر و جرائم مواد مخدر اطفال و نوجوانان به طور اخص را از بین ببرد یا حداقل بکاهد با این وجود افرادی بر خلاف جهت خاص عقلایی مقنن حرکت می کنند آن وقت اعمال مجازات توجیه خود را پیدا می کند.

در سال های پس از انقلاب با توجه به سیاست های جدی مقابله با جرائم مواد مخدر رویه قضایی دادگاه ها حتی دادگاه های اطفال نوجوانان به طور نسبی سرکوبگرانه بوده است.

بعد از تصویب مقررات جزایی و تدوین قوانین در جهت اصلاح و پیشگیری از جرائم اطفال در همه زمینه ها تغییراتی نیز از حیث صدور احکام مخففه و استفاده از مجازات های جایگزین حبس پدید آمد.

مروری اجمالی بر رویه قضایی دادگاه اطفال تهران حاکی است که قضات این دادگاه تمایل به اتخاذ رویکردهای ملایم در اتخاذ تصمیمات قضایی نسبت به جرائم مواد مخدر دارند.

منابع و مراجع

- [۱] جابری عربلو، محسن فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول. (۱۳۶۲).
- [۲] دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، تهران: بی تا. (۱۳۴۱).
- [۳] رجبی پور، محمود. پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۰۶-۱۰۷. (۱۳۹۱).
- [۴] شامبیاتی، هوشنگ. بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: نشر ژوبین، چاپ دوم. (۱۳۸۷).
- [۵] گلدوزیان، ایرج. حقوق جزای عمومی ایران، نشر موسسه دانشگاه تهران. (۱۳۹۵).
- [۶] معظمی، شهلا. بزهکاری کودکان و نوجوانان، نشر دادگستر، چاپ دهم. (۱۳۹۳).
- [۷] معظمی، شهلا. دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول. (۱۳۹۴).
- [۸] معین، محمد. فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم. (۱۳۶۳).
- [۹] ممتاز، فریده. جامعه شناسی انحرافات، تهران: سهامی انتشار. (۱۳۸۰).
- [۱۰] مهرا، نسرين. عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، تهران: نشر میزان، چاپ اول. (۱۳۹۰).
- [۱۱] میر محمد صادقی، دکتر حسین. حقوق جزای بین الملل، تهران: نشر میزان. (۱۳۸۶).
- [۱۲] نجفی توانا، علی. نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرمشناسی، مقررات داخلی و اسناد بین المللی/سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی تربیتی کشور، تهران: انتشارات راه تربیت. (۱۳۸۲).
- [۱۳] نیاز خانی، مرتضی؛ ملک زاده، امیرپلیس کودکان، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی. (۱۳۸۹).
- [۱۴] اسدی، لیلا سادات. دادرسی کیفری اطفال در حقوق ایران «حقوقی دادگستری»، شماره ۴۵. (۱۳۸۲).
- [۱۵] سلطانی بهلولی، مریم تأثیر نظریه عدالت ترمیمی در دادرسی اطفال، پایان نامه ارشد دانشگاه تهران. (۱۳۸۵).
- [۱۶] شفیعی، علیپدیده شناسی مواد مخدر، «دانش انتظامی شماره ۸. (۱۳۸۰).